

## نوشته‌های ناب

سنگ آسمانی  
Neveshte\_Nab@yahoo

ارسال متن تلگرامی و پیامک  
فقط با ذکر نام: ۰۹۳۵۶۹۲۰۳۴۹

### نازنینم، خوبم!

همچو نور شید که روشن بکند  
هستی را / تا بد مهر تو در این دل  
من جا دارم!

### اسفندیار نیکزاد



نیزی نیست که اطرافمان پر از آدم باشد، همان  
چند نفری که با هم هستیم، آدم بودمان را به هم  
ثابت کنیم، کافیت

### مهران کریمیان شاهی

مهم نیست که چه کسی چشم به سقف دوخته،  
بیمار قطع نخاعی، یا کودک تازه متولد شده، اصل  
سقف است که زندگی در زیر آن خلاصه شده  
است

### عباس عابد

تو خواهی رفت، دیگر حرف چندانی نمی ماند، چه  
باید گفت با آن کسی که می دانی، نمی ماند؟! بمان  
و فرصت قدری تماشا را مگیر از من، تو تا آبی  
بنوشانی، به من جانی نمی ماند، بر این قابل درک  
است، اگر چشمت به راهم نیست، برای اهل دریا  
شوق بارانی نمی ماند، همین امروز داغی بر دلم  
بنشان که در پیری، برای غصه خوردن نیز دندانی  
نمی ماند، بخوان از چشمهای لال من امروز شعرم  
را... که فردا از من دیوانه، دیوانی نمی ماند

### امیرعباس سوری

اصل خانه تکانی عید نوروز، خانه تکانی دل است،  
اگر می خواهید واقعا خانه تکانی کنید، لطفا همین  
الان هر چه کدورت و کینه از دوست یا نزدیکان  
دارید، از دلتان بیرون بریزید و عشق را آغاز کنید

### بهرام نادمی

دوست من، به زودی متوجه خواهی شد که چه کلاه  
بزرگی سرت گذاشت این زندگی، که هر روزت  
را به بهانه روز بهتر از تو بود و تو چه ساده لوح  
بودی که حرفش را باور کردی، زندگی تو همین  
امروز است، همین ساعت، پس دوست دارم را به  
هر کسی که لازم است بگو و هر از گاهی با خودت  
خلوت کن فارغ از هر فکری... اما زندگی ات را  
همین امروز زندگی کن!

### اصغر شاهنظری

کاش می شد هر یک از ما آدمها جزیره ای برای  
خودمان داشتیم. به نام "جزیره تنهایی". هر  
گاه خسته می شدیم، از نقابهای دیگران، به این  
جزیره کشف نشده می رفتیم و فرسنگها از خود  
دروغین شان فاصله می گرفتیم. کاش آنقدر شجاع  
بودیم در لحظه، صورتکهای رنگی را از صورت  
زندگیمان، حذف می کردیم

### نسبیه توفیقی

بر کار که دوست چو بر کار نشینیم / مر جمله جهان  
را همه از کار بر آریم / گلزار رخ دوست چو بی برده  
بینیم / صد شعله ز عشق از گل گلزار بر آریم

### شهرام قلی پور

ممانم همیشه می گفت: نه ماه طول کشیده تا قلبت  
شکل بگیره، نگذار یکی بیاد تو ۱۵ ثانیه بشکنه و بره

### پریسا

دوست من، هیچ می دانی که من می توانم دنیا را  
یک دستی فتح کنم... اگر دست دیگرم را تو گرفته  
باشی

### نگین - ن

این نقشه شبیه گربه است، ای قنبر / پس با سنگ هار  
خود نرنجانیدش

### قنبر یوسفی

همیشه نباید حرف زد، گاه باید سکوت کرد، حرف  
دل گفتنی نیست! باید آدمش باشد، کسی که با یک  
نگاه کردن به چشمت تا ته بغضت را بفهمد

### معصومه خداداد صوفیانی

هنوز اونقدر قوی نیستم که بتونم نسبت به بعضی  
چیزایی که مهم نیستن بی تفاوت باشم، گاهی یادم  
میره که دوره سادگی گذشته، گاهی با نبودن  
قشنگتر به نظر می آیی! اما بدون، با احساسها راحت  
شکسته میشم، هر چند گاهی این شکستناشون چند  
دقیقه بیشتر طول نمی کشه

### نسیم خوب آیند - دهلران



به دریا شکوه بردم از شب دشت  
وز این عمری که تلخ تلخ بگذشت  
به هر موجی که می گفتم غم خویش  
سری می زد به سنگ و باز می گشت

### روبا مجیدی

## عبرت

خدایا!  
به آنچه که دادی تشکر!  
به آنچه که ندادی تفکر!  
به آنچه که گرفتی تذکر!  
که:  
داده ات نعمت!  
نداده ات حکمت!  
و گرفته ات عبرت است!  
یارب آنچه خیر است در تقدیر ما کن! و آنچه  
شر است از من و دوستانم دور کن. آمین...  
لیلی زارع

## تفاوت

تو شمال شهر تهران، به قنادی باز شد.  
فقط پولدارا میتونستن اونجا خرید کنن  
به روز که تعدادی از پولدارا تو قنادی در حال  
خرید بودن  
یه گدای ژنده پوش وارد شد و تموم جیبهاشو  
گشت. به ۵۰ تومنی پیدا کرد و گذاشت رو  
میز، گفت اینو شیرینی بهم بده!!!!  
مدیر قنادی با دیدن این صحنه جلو اومد و  
به اون فقیر تعظیم کرد و با خوشحالی لبخند  
ازش حال پرسید و گفت:  
قربان! خیلی خوش اومدید و قنادی ما رو  
مزین فرمودید...  
پولتون رو بردارید و هر چقدر شیرینی دوست  
دارید انتخاب کنین!!!!  
امروز مجانبه اینجا...  
پولدارا ازین حرکت ناراحت شدن و اعتراض  
کردن که چرا با ما اینجوری بر خورد نکرده ای  
تا حالا؟ مدیر قنادی گفت: شما هم اگه مثل  
این آقا، تموم داراییتون رو، رو میز میذاشتین  
،جلوتون تعظیم میکردم.  
✓ در پوشیدن خطای دیگران، شب باش؛  
✓ در فروتنی، زمین باش؛  
✓ در مهر و دوستی، خورشید باش؛  
✓ در هنگام خشم و غضب، کوه باش؛  
✓ در سخاوت و یاری به دیگران، رود باش؛  
✓ در کنار آمدن با دیگران دریا باش!

### شکلات تلخ

## آه

بعضی ها هستند  
که به نظر فراموش شان کرده ایم،  
اما وقتی  
حرفشان به میان می آید  
دیگر نمی توانیم لبخند بزینم

### نزار قبانی